

متن پرسش

سلام استاد: بنده تاکنون تعدادی از کتب دکتر داوری از جمله: ما و راه دشوار تجدید، درباره ی علم، درباره ی غرب، فلسفه چیست، فلسفه در دادگاه ایدئولوژی، فرهنگ خرد آزادی و... در ابتدا با شور و شوق خاصی این کتابها را می‌خواندم ولی پس از مدتی با تفکر در مطالعاتم به نتایجی رسیدم: آقای داوری در کتابهایش گزاره های اثباتی نمی‌آورد و گزاره های ایشان صرفا گزاره های توصیفی است. و همین باعث شده نتوان به صحت نوشته های ایشان پی برد. به نظر بنده ایشان در کتابهایشان فقط افکار خودشان را می‌نویسند و برای درستی افکارشان در کمتر جایی اثبات و دلیل می‌آورند. در حالیکه تا مطلبی مستدل نباشد از کجا باید دانست که صحیح و درست است. ایشان در کتابهایشان فلسفه را رد می‌کنند در حالیکه پارادایمی که در آن می‌نویسند کاملا فلسفی است. می‌گویند از اینکه به صورت فلسفی می‌نویسند ناگزیرند، ولی چه ناگزیر بودنی؟ مگر تنها ادبیاتی که می‌توان با آن به نقد مدرنیته و غرب پرداخت، ادبیات فلسفی مابانه است؟ نوشته های آقای داوری، بویی از آیات، روایات، احادیث، و یا اهل بیت (ع) و ... ندارد (مگر در معدودی از مقالات). مگر می‌شود بدون مددگیری از قرآن و اهل بیت (ع) (که طبق حدیث ثقلین تنها عوامل هدایت بشریت اند) بتوانیم در مورد حقیق اظهار نظر کنیم. بنده قائل به اخباری‌گری و تفکیک نیستم ولی از اینکه فقط اتکای به تفکر و عقل خالی از وحی داشته باشیم را مردود می‌دانم چرا که تنها و تنها اهل بیت (ع) چراغ هدایت اند و برای رسیدن به حقیقت ناچارا باید جوع به اهل بیت (ع) کنیم. بعلاوه مایی که ادعای پیروی از مکتب امام حسین علیه السلام داریم، باید در قبال جامعه سیاست و انقلاب نیز بی تفاوت نباشیم. ایشان در کتابهایشان به نقد انقلاب های معاصر می‌پردازند (سیاست تاریخ تفکر و...) و آنها را محکوم به ایدئولوژی می‌دانند. در کتب معاصرشان بنده ندیده ام جایی ایشان به صراحت از انقلاب عظیم و نورانی اسلامی دفاع نموده و به تبیین ماهیت دینی و الهی آن بپردازند. البته ایشان در مکتوبات نخستینشان مقاله ای در حمایت ارزش و عظمت انقلاب اسلامی نوشته اند ولی با مطالعه ی آثار جدیدشان تقریبا در هیچ جا به صورت صریح از انقلاب اسلامی سخن به میان نمی‌آورند. به همین دلیل نیز ناخود آگاه انقلاب اسلامی نیز در زمره ی انقلاب های مارکسیستی و در بسط مدرنیته دیده می‌شود! از اینکه به سوالات قبلی بنده پاسخ داده اید کمال قدردانی از شما استاد بزرگوار و عزیز را دارم و طول عمر باعزت برای شما آرزومندم. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: نمی‌دانم از آقای دکتر داوری و کتاب‌های ایشان چه انتظاری دارید! اگر دکتر داوری را در حدّ یک فیلسوف بدانید، همان چیزی که خود او بر آن اصرار دارد، پس دیگر نباید انتظار داشته باشید آیه و روایت را شاهد سخن خود بیاورد. کار فیلسوف به حرکت‌درآوردنِ تفکر است و چون روش آقای دکتر داوری روشی است که هایدگر در فلسفه در پیش گرفته است و عملاً سعی بر آن است که به روش متافیزیکی موضوعات را در میان نگذارد، شما تصور فرموده‌اید که ایشان استدلالی سخن نمی‌گوید. در حالی که عقل متافیزیکی یک نوع عقل است و به یک معنا می‌توان گفت روش هایدگر یک نوع تذکر است به موضوعات تاریخی تا انسان خود، به تفکر بنشیند. دکتر داوری برای خود رسالتی خاص را تعریف کرده است و آن دعوت به تفکر، چیزی که حقیقتاً ما از نظر تاریخی از آن محرومیم و عموماً مراوده‌های ما و گفتگوهای ما حجاب تفکر است. در تفکری که دکتر داوری بنا دارد به تاریخ ما برگرداند نه تنها جایگاه فرهنگ مدرنیته و تکنولوژی روشن می‌شود بلکه جایگاه تاریخی خودمان نیز ظهور می‌کند و می‌فهمیم ما در کجا هستیم و چگونه شروع کنیم و در این جا است که شما متوجه می‌شوید از ذخیره‌ی متعالی قرآن و روایات برای عبور از بی‌فکری تاریخی چه اندازه می‌توان استفاده کرد. موفق باشید